



محمدنصری / مدیرعامل استارتاپ آریامدتور

هر هفته در این صفحه به تغییرات مهم در ایران از دریچه فرهنگ استارتاپی نگاه می‌کنیم؛ این بار محمدنصری که تخصص ویژه‌اش شیوه‌های مدرن مدیریت کسب و کار است، از تأثیر استارتاپ‌ها بر مفهومی قدیمی به نام «محیط داخلی کسب و کار» و روابط و ضوابط آن نوشته است.

فرهنگ استارتاپی

در دنیای استارتاپی

۱ افراد داشتن روحیه یادگیری برنده‌اند!

در چنین فضایی، انگیزه یادگیری و میل به پیشرفت به صورت مداوم تقویت می‌شود؛ از طرفی، معمولاً افرادی جذب فضاهای استارتاپی می‌شوند که این روحیه جزو خصوصیات اصلی شخصیت آن‌هاست. افرادی که یادگیری را محدود به کلاس درس نمی‌دانند و از هر چالشی برای بهتر شدن استقبال می‌کنند.

۲ تفاوت‌ها، پلی به سوی پیشرفت می‌شوند!

بیشتر دیده می‌شود که در فضای کار سنتی تفاوت‌ها مانع رشد و پیشروی می‌شوند، در حالی که در یک فضای استارتاپی، توجه به تفاوت‌ها بیشتر صورت می‌گیرد، تاجایی که برای بهبود انجام وظایف، همین تفاوت‌ها و تخصص‌های مختلف و گوناگون به کار گرفته می‌شوند. این فضای استارتاپی است که خودش را با طیف متنوعی از افراد مانند مادران، دانشجویان و... وفق می‌دهد و امکان کار کردن در ساعت‌های منعطف را به آن‌ها می‌دهد. به طور کلی مدیریت تنوع به توانایی شرکت در استخدام، حفظ و تسهیل روابط کاری میان افراد با زمینه‌ها و ویژگی‌های متفاوت برمی‌گردد و این نوع از مدیریت از شاخصه‌هایی است که استارتاپ‌ها به شکل عملی وارد گفتمان سازمانی ایران کردند.

استارتاپ‌ها مفهوم محیط کار و روابط کاری را بازتعریف کرده‌اند

کار با چاشنی صمیمیت!

فضای استارتاپی برای برداشتن مرز بین زندگی شخصی و شغلی شکل گرفته است. من فکر می‌کنم درس‌هایی که در یک استارتاپ یاد می‌گیرید تا پایان مسیر شغلی، همراهان خواهند بود و این فرهنگ تازه‌ای از محیط کسب و کار است که استارتاپ‌ها در حال باب کردن آن در بخش‌های مختلف زندگی ما هستند.

۳ طعم جدیدی از سلسله مراتب احساس می‌شود!

در فضای شغلی مدرن، افراد در بخش‌های مختلف سازمانی به هم نزدیک‌تر هستند. مفهوم قدیمی مدیر و کارمند معنای تازه‌ای به خود گرفته و برقراری جلسات دوستانه میان تمام همکاران براحتمی میسر می‌شود؛ در استارتاپ‌ها سعی بر آن است که یکپارچگی در جریان باشد و هیچ گونه فاصله‌ای، دستیابی به اهداف سازمان را به تعویق نیندازد؛ اهدافی که میان تمام اعضای گروه مشترک بوده و برای آن‌ها چشم‌اندازی با ارزشمندی یکسان ایجاد می‌کند. به عبارتی روابط افقی در استارتاپ‌ها جایگزین روابط عمودی در شرکت‌های قدیمی و سنتی شده است، فرهنگی که حتی در حال تسری به کل اقتصاد کشور و حتی برخی سازمان‌های دولتی است.

امروزه، ایجاد و حفظ ارتباط میان فضای شغلی و زندگی شخصی به چیزی فراتر از یک مفهوم تبدیل شده است. این نگاه ویژه در میان استارتاپ‌ها پررنگ‌تر جلوه می‌کند؛ داشتن همکاران شاد و با میزان رضایت بالا -از جنبه‌های متفاوت زندگی- موجب افزایش بهره‌وری همه گروه می‌شود؛ در فضاهای استارتاپی، سن افراد و در نتیجه روحیات آن‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر است. همچنین فضای کاری منعطف و به دور از مرزبندی‌های اداره‌های سنتی، امکان رشد در کنار یکدیگر را فراهم می‌آورد. وجود فرهنگ مشارکت در تصمیم‌گیری و انجام امور فراسازمانی -از همان مراحل ابتدایی رشد کسب و کار- منجر به شکل‌گیری نوعی خاص از صمیمیت در میان کارکنان این کسب و کارها می‌شود، صمیمیتی که در گذر زمان همکاران را به خانواده‌ای همدل و با هدفی واحد تبدیل خواهد کرد.

۴ پایان ساعت کاری، پایان مسئولیت‌پذیری نیست!

در کسب و کارهای استارتاپی، روش‌های رسیدن به اهداف از سوی فردی خاص انتخاب نمی‌شوند؛ از آنجایی که اهداف برای همه به درجه قابل قبولی از شفافیت رسیده‌اند، خروجی قابل لمس، بسیار مهم‌تر از گذراندن ساعتی مشخص پشت میز است. به علاوه، همدلی میان همکاران موجب بهبود فرآیندها و شیوه انجام دادن وظایف می‌شود. به بیان بهتر، افراد به جای آن که فقط به فکر به پایان رساندن وظایف از پیش تعیین شده باشند، انگیزه‌های داوطلبانه و دغدغه‌های گسترده‌تری دارند، یعنی کم‌رنگ شدن فرهنگ ساعت زدن در سازمان‌های قدیمی؛ به ارتباطی عمیق‌تر میان فرد و محیط کسب و کارش منجر شده و تعریف تازه‌ای از ساعت کاری و البته مزایای شغلی ارائه کرده است.

۵ جسارت و میل به گردش شغلی، در افراد جاری است!

مشاغل استارتاپی، بدون انجام کاغذ بازی‌های معمول، این امکان را در اختیار افراد قرار داده‌اند که تنها به میل و اختیار خودشان فعالیت در بخش‌های مختلف را تجربه کنند. گردش شغلی فواید زیادی از جمله افزایش یادگیری، انعطاف‌پذیری، جایگزینی بموقع اعضای گروه و بهبود رضایت افراد از محل کار دارد. این تفسیر تازه‌ای از انتخاب در محیط کار را ارائه داده تا یکجانشینی و رسوب نیروی کار در بخشی که علاقه‌ای به آن ندارد اتفاق نیفتد.



در کسب و کارهای استارتاپی، روش‌های رسیدن به اهداف از سوی فردی خاص انتخاب نمی‌شوند. از آنجایی که اهداف برای همه به درجه قابل قبولی از شفافیت رسیده‌اند، خروجی قابل لمس، بسیار مهم‌تر از گذراندن ساعتی مشخص پشت میز است.

سخن آخر

کار در یک فضای استارتاپی می‌تواند هیجان‌انگیز و پراز چالش باشد. موفقیت شرکت‌هایی مانند فیس‌بوک، بسیاری از کارآفرینان را علاقه‌مند به ایجاد فضایی متفاوت برای اعضای گروه کرده است. بزرگی می‌گوید: اگر می‌خواهید خوشبختی را در تمام عمر تجربه کنید، کاری را که انجام می‌دهید دوست داشته باشید. به عقیده من باید کاری را که دوست دارید، انجام بدهید، یعنی شغلی که برای انجام آن با اشتیاق از خواب برخیزید و منتظر تمام شدنش نباشید. فضای استارتاپی برای برداشتن مرز بین زندگی شخصی و شغلی شکل گرفته است. من فکر می‌کنم درس‌هایی که در یک استارتاپ یاد می‌گیرید تا پایان مسیر شغلی، همراهان خواهند بود و این فرهنگ تازه‌ای از محیط کسب و کار است که استارتاپ‌ها در حال باب کردن آن در بخش‌های مختلف زندگی ما هستند.

